

رویکردی بر جایگاه «غیرت ناموسی» در سایه آموزه‌های فقه و حقوق ایران

زهرا لامع*^۱

فاطمه فلاح تفتی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۰۶

چکیده

غیرت، تغییر حال طبیعی انسان و دگرگونی درونی او برای حفظ حریم‌ها معنا شده است. این خصیصه مهم در متون دینی ما با عباراتی نظیر لازمه انسانیت و خصیصه انسان پرهیزکار ستوده شده و در فقه غنی اسلامی برای آن شروط و ضوابطی معین شده است. یکی از اقسام غیرت که به علت حساسیت آن، معرکه آرا شده و از طرفی دستمایه دشمنان اسلام برای خدشه‌دار کردن وجهه دین گردیده، غیرت ناموسی است. این مقاله به شیوه توصیفی - تحلیلی و با هدف تبیین صحیح از این نوع غیرت در فقه و معیار آن از منظر فقه امامیه، به نگارش درآمده است. یافته‌های این مقاله که با بررسی دقیق بر روی مصادیق غیرت ناموسی در فقه است، بیانگر آن است که مهم‌ترین ملاک‌های فقهی بر غیرت ناموسی عبارت‌اند از: ارتکاب عمل منافی عفت توسط زن به صورت آشکار در زمان عده، احراز شرایط حد زنا و احصان توسط زوج، لزوم رعایت حدود حجاب و عفاف در روابط زن و مرد، رعایت حق قسم و حق مواقعه زوجه. ملاک‌هایی نظیر فرار از خانه، سوءظن و شایعات، ازدواج پنهانی، امتناع از ازدواج اجباری و ... که در پرونده‌های مرتبط با بحث غیرت مشاهده می‌شود، هیچ وجهه شرعی ندارد و از این رو، این مقاله پیشنهاد الحاق مواد قانونی در این رابطه و بیان شرایط آن و نیز فرهنگسازی در این زمینه را دارد.

کلیدواژه‌ها

غیرت، غیرت ناموسی، غیرت عرفی، فقه امامیه.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. نویسنده مسئول) استادیار گروه آموزشی فقه و حقوق اسلامی دانشگاه رفاه، تهران، ایران. lamee@refah.ac.ir

۲. استادیار گروه آموزشی فقه و حقوق اسلامی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. f.fallah@atu.ac.ir

مقدمه

ریشه غیرت از تغییر (صاحب بن عباد، بی تا، ج ۵، ص ۱۲۶) و تغییر (مهنا، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۲۸۹) است و در علوم رفتاری^۱ نیز، یک نوع تغییرپذیری و یک نوع محبت و احساس وابستگی به یک شخص و گاهی یک چیز است (معلوف، ۲۰۰۰م، ص ۱۰۷۰). این واژه در متون دینی برای اقسام مختلفی از غیرت، از جمله غیرت دینی، غیرت ملی و غیرت ناموسی، به کار رفته است که در تمام این موارد، نگاه مسئولانه و نگرهبانی با آگاهی از حریم دین، خانواده، قانون و کشور مد نظر است. غیرت یکی از کمالات انسانی است که دست پرتوان آفرینش، اسباب آن را در وجود آدمی تعبیه کرده است. امیرالمؤمنین^ع فرمود: خداوند برای مؤمن غیرت می‌ورزد. پس او نیز باید غیرت آورد. هرکس غیرت نرزد، دلش وارونه است (حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۲۰، ص ۲۳۸)^۲. شاید مراد از وارونگی دل این باشد که شخص بی غیرت از حالت طبیعی انسانیت خارج شده و به ورطه پوچی و تباهی سقوط کرده است. بر همین اساس است که خدا به هر غیرتمندی، نظر لطف و مرحمت دارد. امام صادق^ع فرمود: خداوند غیور است و هر غیرتمندی را دوست دارد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۳۵)^۳. یکی از اقسام غیرت که غیرت ناموسی است، ارتباطی تنگاتنگ با شرف و مردانگی شخص مسلمان دارد و اسلام با تأکید از او خواسته که از ناموس خود و هم‌کیشانش در برابر هرگونه گزند داخلی و خارجی به شدت دفاع کند و کمترین مسامحه‌ای از خود بروز ندهد. از آنجا که غیرت، هیجان و نفرت طبع و یک واکنش طبیعی و یک تغییر حالت و دگرگونی درونی است که هنگام به خطر افتادن محبوب‌ترین و مقدس‌ترین چیزها به انسان دست می‌دهد (طریحی، بی تا، ج ۳، ص ۳۴۶)، گاهی اوقات بدون در نظر گرفتن ضوابط به‌کارگیری آن، خود تبدیل به یک غیرهنجار شده، آسیب‌های فراوانی را به خانواده و اجتماع

1. Liability

۲. «إِنَّ اللَّهَ يَغَارُ لِلْمُؤْمِنِ فَلْيَغْرُ، مَنْ لَا يَغَارُ فَإِنَّهُ مَنَّكُوسُ الْقَلْبِ».

۳. «إِنَّ اللَّهَ غَيُورٌ يَحِبُّ كُلَّ غَيُورٍ».

وارد می‌کند؛ چنان‌که امام علی(ع) در توصیه‌ای به فرزندشان امام حسن(ع) می‌فرماید: «بپرهیز از غیرت نشان دادن بی‌جا که درستکار را به بیمار دلی و پاکدامن را به بدگمانی می‌رساند»^۱ (سید رضی، ۱۴۱۴ق، نامه ۳۱، ص ۴۰۵).

گفتنی است که این ضوابط در فقه، تبیین و مصادیق آن به‌طور کامل مشخص شده است. این مقاله با شیوه توصیفی - تحلیلی درصدد پاسخگویی به این سؤال است که تفاوت غیرت ناموسی که فقها مطرح کرده‌اند، با غیرتی که در عرف مطرح می‌شود، چیست، مصادیق آن کدام است و دیدگاه فقهای شیعه در ملاک‌گذاری بر این مقوله مهم خانوادگی - اجتماعی چیست.

درباره این موضوع، پژوهش‌هایی انجام شده است؛ از جمله مقاله «انحراف در غیرت‌ورزی و پیامدهای آن در آموزه‌های اسلامی» (۱۳۹۴) نوشته مجتبی میری و محمدتقی سبحانی‌نیا که در مجله اخلاق به چاپ رسیده و بیان می‌کند که در آموزه‌های اسلامی، پیامدهایی برای زیاده‌روی و کوتاهی در غیرت‌ورزی بیان شده است؛ از جمله پیامدهای افراط در غیرت‌ورزی، سوءظن و تجسس و از پیامدهای تفریط در غیرت‌ورزی، غضب الهی و گرفته شدن روح ایمان است. نیز مقاله «هنجارشناسی غیرت جنسی در اسلام از منظر روایات» (۱۳۹۴) نوشته نرجس رودگر و زهرا قاسمی که در مجله مطالعات اسلامی زنان و خانواده به چاپ رسیده، با تقسیم غیرت به غیرت جنسی مردان و غیرت جنسی زنان، به مفهوم‌شناسی، گونه‌شناسی و هنجارشناسی غیرت جنسی با استفاده از روایات موجود در این موضوع پرداخته است.

مقاله حاضر ضمن ارج نهادن به پژوهش‌های انجام‌شده در این مورد، مدعی نوآوری‌هایی است؛ از جمله آنکه موضوع را منحصر به غیرت ناموسی کرده است؛ در حالی که عمده پژوهش‌ها درباره کلیت غیرت با همه اقسامش است که دقت بحث را تقلیل می‌دهد و نیز

۱. «إِيَّاكَ وَالتَّغَايِرَ فِي غَيْرِ مَوْضِعٍ غَيْرِهِ فَإِنَّ ذَلِكَ يَدْعُو الصَّحِيحَةَ إِلَى السَّقَمِ وَالْبَرِيئَةَ إِلَى الرَّيْبِ».

بحث را از منظر فقهی مورد مطالعه قرار داده و حکم وضعی و تکلیفی مسئله را روشن می‌کند که این مهم با توجه به مورد ابتلا بودن جامعه و حساسیت بحث، مورد غفلت واقع شده است. همچنین به دلیل آنکه جامعه اسلامی ایران از ترکیبی از آداب و رسوم اقوام مختلفی است که در عین حال، اکثریت شیعه‌اند، با بیان ملاکات غیرت ناموسی، درصدد تبیین معیار صحیح غیرت و تصحیح روند بعضی از رسومات در باب غیرت‌ورزی نابجا در جامعه اسلامی است.

این مقاله در جهت پاسخگویی به سؤالات پژوهش، پس از مفهوم‌شناسی واژه کلیدی غیرت و بیان مفاهیم مشابه و اقسام آن، با بررسی مصادیق غیرت ناموسی در فقه امامیه، معیارهای این امر را احصا می‌کند تا از این رهگذر، ملاکات بهنجار بودن این عنصر اساسی و مؤثر در حیات خانوادگی و اجتماعی را تبیین کند. ناگفته پیداست این احصا استقرایی بوده و ممکن است محققان دیگری مواردی را بر آن بیفزایند.

مفهوم‌شناسی مصطلحات

- غیرت

معنای لغوی: غیرت از ریشه «غی» بیشتر به معنی «لا» به کار می‌رود و گاهی به جای «آل» و «سوی» نیز می‌نشیند. غیر به معنای تغیر حال و انتقال از صلاح به فساد است. غیرت به معنای «میره» (حمل طعام و خواربار از جایی به جایی، کاروان غله)، نفع رساندن، دیه دادن، حمیت و آنفَه (حسادت و ننگ) نیز آمده است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۴۲).

غیرت در کتب لغت معاصر نیز، به معنای حمیت و محافظت از ناموس و آبروست (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲، ج ۵، ص ۶۳۳). بعضی از اهل لغت هم غیرت را به نفرت طبیعی ناشی از بخل از مشارکت غیر در امری که محبوب شخص است (طریحی، بی تا، ج ۳، ص ۳۴۶)، وابستگی شدید به شخص محبوب و اضطراب و نگرانی دائم به خاطر ترس از خیانت او یا برانگیختگی ناشی از حمیت به خاطر گمان به اینکه شخص دیگری در علاقه به محبوب با او شریک باشد، معنی کرده‌اند (معلوف، ۲۰۰۰م، ص ۱۰۷۰).

تبیین مفهوم واژه غیرت نیازمند بررسی و تبیین واژه‌های مشابه و عناصر دخیل در آن مفاهیم است تا بتوان مفهوم غیرت را از آن مفاهیم تمییز داد. از واژگان مشابه غیرت می‌توان به کلمه عصیبت و حمیت اشاره کرد که در ذیل، به مفهوم‌شناسی هریک پرداخته می‌شود.

الف. عصیبت

واژه عصیبت از ریشه «عصب» به معنای رگ، پی، عصب و رشته‌هایی است که مفاصل استخوان‌ها و عضلات را به هم پیوند دهد (فراهیدی، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۸). صاحب مقایس معتقد است عصب یک اصل صحیح دارد که بر ارتباط چیزی با چیز دیگر دلالت می‌کند (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۳۳۶) و نیز «عصب القوم امرای اذا ضمهم واشتدّ علیهم» یعنی آنها را گرفت و به سوی خود کشید و بر آنها شدت یافت (زهری، ۲۰۰۱م، ج ۲، ص ۲۹). «تعصب» به معنای حمایت کردن و دفاع کردن برای هدفی خاص آمده است (مصطفی و همکاران، ۱۹۸۹م، ج ۲، ص ۶۰۲) و همین ریشه عصیبت در اصطلاح، به معنای هر نوع دلبستگی و وابستگی فکری و حمایت قولی و عملی از چیزی یا کسی به کار می‌رود که غالباً مذموم است و موجب از دست دادن قدرت تشخیص حق و باطل می‌گردد و در صورت تشخیص آنها نیز، مصرانه بر عقیده باطل، پافشاری می‌شود. علامه مجلسی^(۵) اصطلاح عصیبت را چنین تعریف می‌کند: «عصیبت آن است که شخص قوم و عشیره و یارانش را در ظلم و باطل حمایت کند یا در مذهب باطل، لجاجت ورزد تا بر دینش یا دین پدرانیش یا عشیره‌اش باشد و طالب حق نباشد، بلکه چیزی را که نمی‌داند حق است یا باطل، به خاطر غلبه‌اش بر دشمن یاری کند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۰، ص ۲۸۳). برخی نیز معتقدند: «عصیبت وابستگی غیرمنطقی به قول یا عقیده باطل یا عادات و رسوم خاص است که پرده ضخیمی بر دیده و عقل انسان می‌افکند و او را از درک حقایق و تشخیص حق و باطل و مصلحت و مفسده محروم می‌سازد (ر.ک. حسینی، ۱۳۸۶، ص ۴۳-۵۰) و عاملی برای ورود در انواع گناهان و منشأ بسیاری از بدبختی‌هاست (ر.ک. انصاریان، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۳۷۱). پس می‌توان گفت عصیبت معمولاً مذموم است؛ اگرچه گاهی در موارد مثبت نیز کاربرد دارد.

ب. حمیت

حمیت از ریشه «حمی» به معنای بی‌پروایی، حرارت، خشم، برافروختگی، دیوانگی، غیرت، تکبر و ناز آمده است (معلوف، ۲۰۰۰م، ص ۴۱۲). راغب می‌گوید: حمیت یعنی حرارت و گرمایی که از اجسام گرم بیرون می‌آید، مانند آتش و خورشید و همچنین حرارتی که از نیروی گرمایی موجود در بدن انسان به وجود می‌آید و به چیزهایی که از طرف مرد به زنش به خاطر حمایت از وی پرداخت می‌شود نیز، گفته می‌شود (راغب، ۱۴۱۲ق، ص ۲۵۹). حمیت را در اصطلاح، شدت حرارت و علاقه و جانبداری در دفاع از خود همراه با تکبر و خودبزرگ‌بینی گویند (مصطفوی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۲۸۹). همچنین قوه غضب را هنگامی که برانگیخته می‌شود، حمیت می‌نامند (راغب، ۱۴۱۲ق، ص ۲۵۸). در تفاوت حمیت با تعصب باید گفت: تعصب معنای عامی دارد که دفاع از خویش و خویشاوندان و قبیله و ملت را شامل می‌شود، چنان‌که پیش از این آمد. حمیت زمینه‌ساز و عامل وجودی تعصب است؛ چنان‌که امام علی^(ع) در خطبه قاصعه می‌فرماید: شیطان بر آدم^(ع) به جهت خلق او فخر فروخت و با تکیه به اصل خود که از آتش است، دچار تعصب و غرور شد (سید رضی، ۱۴۱۴ق، ص ۷۳۴).^۱ علاوه بر این، حمیت خصوصیت فردی است که بر نوعی تفکر یا فعل جانبداری می‌کند و این موجب خروج از جاده اعتدال می‌شود و در نهایت به بیراهه کشیده می‌شود (جعفری، ۱۳۸۷، ص ۲۸ و ۲۹)؛ چنان‌که حدیثی از امام علی^(ع) ناظر بر این معنا می‌باشد: «کسی که حمیت بورزد، مُصر بر گناهان خواهد بود» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۹۴).^۲ صاحب کافی در تفاوت این دو واژه می‌فرماید: «فرق میان آن دو این است که حمیت دفاع و حمایت از خود شخص است و عصبیت از نزدیکان یا حمیت دفاع از خانواده است و عصبیت برای نزدیکان» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۹۴). حمیت هم مانند تعصب به دو نوع ممدوح و مذموم آمده است: ممدوح حمیتی است که برای دفاع از اسلام و به حق باشد و از جاده عدالت خارج نشود (همان‌جا) و حمیت

۱. «عَتَرَصَتْهُ الْحَمِيَّةُ فَأَفْتَحَرَ عَلَى آدَمَ بِخَلْقِهِ، وَ تَعَصَّبَ عَلَيْهِ لِأَصْلِهِ».

۲. «مَنْ أَحْمَى أَصَرَ عَلَى الذُّنُوبِ».

مذموم حمایتی است که باطل باشد و از جاده عدالت خارج شود. در قرآن، به این نوع از حمیت اشاره شده است (فتح، ۲۶)^۱. حمیت جاهلیت سیره آبا و اجداد مشرکان در جاهلیت است و آنچنان بود که سر تسلیم بر هیچ کس فرود نمی‌آوردند و از او اطاعت نمی‌کردند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۱۹۸).

در انتهای این قسمت، دو عنوان دیگر که به نحوی با غیرت ناموسی ارتباط دارند، مطرح می‌شوند تا از یکدیگر بازشناسی شوند: یکی عبارت حفاظت از عرض است و دیگری امر به معروف و نهی از منکر. عرض در لغت به معنای عرق، خوی، اعتبار، قدر، جاه، شرف، آبرو و ناموس است (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۹۸). اسلام برای حفظ آبرو و حرمت و شخصیت مؤمنان اهمیت زیادی قائل است و آبروی مؤمن را با خون وی برابر می‌داند تا آنجا که هم به خود مؤمنان دستور می‌دهد که آبروی خود را حفظ کنند و هم به دیگران می‌فرماید که آبروی مؤمنان را حفظ نمایند (نجفی، بی تا، ج ۴۱، ص ۶۵۹-۶۵۲؛ موسوی قزوینی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۲). این عنوان در باب‌های گوناگون فقهی مانند طهارت، صلات، حج، جهاد و تجارت، مورد توجه و موضوع احکامی قرار گرفته است. همان‌طور که مشخص است، این عنوان عام بوده؛ در حالی که غیرت ناموسی، همان‌طور که خواهد آمد، معطوف به امور خانوادگی و اجتماعی و مرتبط با مباحث عفت شخصی و عمومی است.

معروف در اصطلاح، اسمی است برای هر کاری که با عقل و شریعت، نیکو شناخته شده (راغب، ۱۴۱۲ق، ص ۵۶۱) و منکر، ضد معروف و هر کاری است که عقل‌ها و خردهای سلیم زشتی آن را حکم می‌کنند یا اینکه عقل‌ها در زشتی و خوبی آن کار سکوت می‌کنند، سپس دین و شریعت بدی و زشتی آن را بیان می‌کند (راغب، ۱۴۱۲ق، ص ۸۲۳). پس امر به معروف یعنی فرمان دادن به نیکی و نهی از منکر باز داشتن از بدی و ناپسندی است که دارای مراتب، شرایط و آدابی است و وظیفه آحاد مردم و حکومت است. اما غیرت ناموسی (با

۱. «إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ الْحَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةَ».

توجه به آنچه می‌آید) معیارهای خاصی دارد و احکام متفاوتی نیز بر آن بار می‌شود؛ هرچند باید اذعان کرد غیرت ناموسی نیز نوعی نهی از منکر است با شرایط ویژه. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، رابطه‌ی واژه‌ی حفاظت از عرض و امر به معروف و نهی از منکر با غیرت ناموسی، رابطه‌ی عموم و خصوص مطلق است.

۱. انواع غیرت

در بحث انواع غیرت می‌توان به سه نوع اساسی اشاره کرد که شامل غیرت دینی، غیرت ناموسی و غیرت ملی / قومی می‌شود. منظور از غیرت دینی این است که انسان در برابر تخلفاتی که از مسیر حق و عدالت و احکام الهی صورت می‌گیرد، خاموش ننشیند و بی‌تفاوت از کنار آنها نگذرد؛ بلکه تخلف هرچه شدیدتر باشد، جوش و خروش او بیشتر گردد. کسانی که خونسرد و بی‌رمق از مقابل این امور می‌گذرند، فاقد غیرت دینی هستند. بر این اساس، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، سفارش به حق و صبر، تعلیم و تعلم و ... می‌تواند در راستای غیرت دینی قرار گیرد (الهامی‌نیا، ۱۳۸۲، ص ۱۵۴). مراد از غیرت ملی احساس مسئولیت در برابر تمامیت ارضی کشور اسلامی و دلسوزی و حمایت از مسلمانان و عزت و شرف آنان است که به شکلی با «غیرت دینی» و «غیرت ناموسی» نیز پیوند دارد. امام خمینی^(ره) در این باره چنین فتوا داده است: اگر دشمنی به کشور اسلامی یا مرزهای آن حمله کند و اسلام و جامعه اسلامی مورد خطر قرار گیرد، بر مسلمانان واجب است که به هر وسیله ممکن و با بذل جان و مال، از آن دفاع کنند (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۴۸۵). این نوع از غیرت همواره به حفاظت از وطن در برابر خطرهای آسیب‌ها می‌پردازد و یک حس وطن‌دوستی در انسان پرورش می‌دهد تا هم باعث رشد ملی شود و هم کشور را از گزند دشمنان حفظ کند.

غیرت ناموسی یا حمایت و حفاظت از ناموس ارتباط تنگاتنگی با شرف و مردانگی شخص مسلمان دارد و اسلام با تأکید از او خواسته است که از ناموس خود و هم‌کیشانانش در برابر هر گونه گزند داخلی و خارجی، به شدت دفاع کند و کمترین مسامحه‌ای از خود بروز

ندهد. مسلمانان وظیفه دارند که در میان خود - در روابط اجتماعی و خانوادگی - عفت شخصی و عمومی را رعایت کنند. این نوع از غیرت برای حفظ عفت و پاکی مردان و زنان جامعه در دین اسلام مورد تأکید واقع شده است

۲. حکمت و ارزش غیرت ناموسی

طبق نظر غزالی، حکمت جعل وصف غیرت در مردان، حفظ انساب است. مسامحه در غیرتمندی موجب اختلاط نسب می‌گردد. به همین دلیل گفته شده است: هر امتی که غیرت در مردانش باشد، زنانش مصون هستند. غیرت از آثار غضب ممدوح به شمار می‌آید. غضبی که بر شهوت تسلط دارد و مانع تمایل نفس به امور شهوانی پست و حرام می‌شود. اگر غضب ممدوح در انسان کم‌رنگ شود، غیرت ضعیف می‌گردد و نفس به آسانی خواری و حقارت را تحمل می‌کند. به‌طور کلی، ثمره ضعیف غیرت این است که شخص از اهانت‌هایی که به او می‌شود، احساس ننگ و عار پیدا نمی‌کند و تعرض به زوجه‌اش او را خشمگین نمی‌کند و دچار نامردی و حقارت نفس می‌شود (غزالی، ۱۹۴۵م، ج ۳، ص ۱۶۸).

در اهمیت غیرت ناموسی همین بس که در کتب شیعه و اهل سنت، بخشی به این موضوع و انواع و مصادیقش اختصاص داده شده است (مجموعه من المؤلفین، ۲۰۰۲م، ج ۳۱، ص ۳۳۹؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۳۵).

در بین انواع غیرت، غیرت ناموسی بسیار مورد بحث و ارزش‌گذاری قرار گرفته است. روایات بسیاری در این باب وجود دارد که به چند مورد اشاره می‌کنیم:

غیرت طبق آموزه‌های دینی از آثار ایمان به شمار می‌آید (ابن بابویه، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۴۴۴). امام صادق^(ع) فرمود: خداوند تبارک و تعالی غیرتمند است و هر غیرتمندی را دوست می‌دارد و به جهت غیرتش، انواع فحشا و فساد آشکار و نهان را حرام نمود (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۳۴) و نیز می‌فرمود: هرگاه مردی غیرت نوزد، دلش وارونه می‌شود (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۳۶) و نیز راویان متعددی نقل کرده‌اند: امام صادق^(ع) فرمود: پیامبر خدا^(ص) فرمود: حضرت ابراهیم^(ع) غیور بود و من از او غیرتمندترم. خداوند بینی مؤمن و مسلمانی را که

غیرتمند نیست، قطع [و او را ذلیل] می‌کند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۳۴). همچنین در روایت از ایشان نقل شده است: سه نفر هستند که خداوند در روز قیامت با آنان سخن نمی‌گوید و آنان را پاکیزه نمی‌سازد و برای آنان عذابی ناگوار می‌باشد: پیرمرد زناکار، دیوث و زنی که بستر شوهرش را به دیگران می‌دهد (همان، ص ۵۳۷).

از این روایات ارزش و اهمیت وجود غیرت ناموسی در مرد مسلمان معلوم می‌شود و حتی وجود ایمان در شخص به وجود وصف غیرت منوط شده است و این موضوع جایگاه این وصف را نمایان می‌کند.

۳. معیارهای غیرت در عرف جامعه امروز ایران بر اساس پرونده‌های قضایی

در جوامعی با آداب و رسوم منحصر به خود، اصطلاح ناموس نیز ارزش و معنای منحصر به فردی دارد و بیانگر یک واقعیت اجتماعی و فرهنگی است. برای اینکه فردی قربانی جنایت‌های ناموسی شود، فقط اینکه گمان برده شود او آبروی خانواده را بر باد داده است، کافیست. اعضای این جامعه خدشه‌دار شدن شرف و آبروی خود را دردناک‌تر از تلف مال یا مرگ یک عزیز تلقی می‌کنند و قتل و جرح‌ها به سبب این موضوع از نظر مردم این جوامع، جرم به حساب نمی‌آیند؛ بلکه به عنوان اقدامی مشروع برای پاسداری و دفاع از ناموس و شرف تلقی می‌شوند.

متأسفانه قوانین برآمده از رسوم و عادات در حوزه اجتماعی و خانوادگی و نه فقه و قوانین اسلامی، به مردان این اختیار را می‌دهد تا مرز فعالیت‌های مجاز و غیرمجاز را برای زنان تعریف کرده، زنانی را که از این مرزها پا به فراتر می‌گذارند مجازات کنند که عمدتاً در جامعه مردسالار، به شکل قتل‌های ناموسی پدیدار می‌شود. به طور کلی می‌توان استان‌هایی مانند خوزستان، کردستان، کرمانشاه، ایلام، لرستان، سیستان و بلوچستان، آذربایجان شرقی و اردبیل را از جمله مناطقی دانست که بیشترین تعداد قتل‌های ناموسی در آنها به وقوع می‌پیوندد (کاظمی، ۱۳۸۸، ص ۷۰). با بررسی پرونده‌های مربوط به جنایات ناموسی و غیرت، آنچه به عنوان معیار برای خشونت‌های خانوادگی در این پرونده‌ها مشاهده می‌شود، عبارت‌اند

از: دوستی‌های پنهانی و خیابانی و گمان بردن روابط جنسی بدون اثبات که از علل شایع قتل‌های ناموسی است؛ مانند قتل فجیعی که در تابستان ۱۳۹۰ در یکی از روستاهای شهرستان اقلید از توابع استان فارس انجام شد. از دیگر علل می‌توان به فرار دختران از خانه چه با بازگشت ارادی آنها به خانه یا با ارجاع آنها توسط مراجع قضایی یا پلیس یا یافته شدن توسط اعضای خانواده خود و همچنین ازدواج پنهانی بدون اطلاع والدین اشاره کرد. در یکی از جشن‌های عروسی در تیردوقلو قوزلو از طوایف شش بلوکی ایل قشقایی، کدخدا به‌همراه تعدادی از مردان روستا، مرد و زن جوانی را که از خانه فرار کرده بودند، با طرز فجیعی به قتل می‌رساند. از دیگر علل این قتل‌ها، خیر دروغ و بی‌اساس، سوءظن و شایعات به‌همراه حرکات شک‌برانگیز است که ممکن است چنان فرد را عصبانی و خارج از کنترل بکند که دست به قتل بزند. در مواردی دیده شده که پیشنهاد طلاق از طرف زن یا گرفتن طلاق، منجر به قتل زن و حتی فرزندان شده است. این حادثه در یکی از شهرهای استان فارس، منجر به قتل دلخراش زن و دختر خردسالش توسط شوهرش شد (ر.ک. آقای کوهی، ۱۳۹۱، ص ۱۳۰-۱۳۵).

۴. معیارهای غیرت ناموسی در فقه امامیه و حکم مرتبط با آن

مهم‌ترین مسئله در هر کار فقهی، آن است که بتوان با توجه به منابع و مستندات معتبر، معیار احکام را کشف کرد تا بتوان با توجه به آن، پاسخگوی مسائل مستحدثه شد. از این روی، در این مقاله با بیان موارد متعدد قرآنی و روایی، معیارهای غیرت ناموسی و احکام مرتبط با آن مطرح و بررسی می‌شود.

۴-۱. ارتکاب عمل منافی عفت توسط زن به صورت آشکار در زمان عده

طبق آیه اول سوره طلاق^۱، بعد از طلاق باید حساب عده را نگه داشت و طبق احکام طلاق رجعی، در زمان عده نمی‌توان زن را از خانه اخراج کرد؛ بلکه باید در همان منزل دوران زناشویی تا پایان عده زندگی کند و فقط تحت شرایط خاصی می‌توان منزل او را

۱. «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ... لَا تَخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبَيَّنَةٍ».

عوض کرد و او را به منزل دیگری که درخور شأنش باشد، انتقال داد. همچنین خود زن نیز نمی‌تواند در این زمان از منزل خارج شود و در محل دیگری سکونت نماید. اما در صورتی که زن مرتکب فحشای آشکار شده باشد، از حکم عدم جواز اخراج استثنا شده است. با توجه به اینکه زن در ایام عده طلاق رجعی در حکم زوجه است، نفقه دریافت می‌کند و بین زوجین در این ایام، توارث برقرار است؛ برخورد با زنی که در این ایام مرتکب فحشای آشکار می‌شود، بسیار قابل ملاحظه است. آیا شرع اسلام به مرد اجازه برخورد از سر غیرت یا احیاناً برخورد خشن را می‌دهد؟ برای روشن شدن این مطلب، به تحقیق و بررسی دقیق‌تر درباره آیه کریمه نیاز است:

درباره واژه «فحشا» در آیه کریمه «**لَا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مَبِينَةٍ**» احتمالاتی بین مفسرین شیعه و سنی مطرح است:

الف. نظر غالب مفسران این است که منظور از فحشای آشکار، زناست و استثنای مذکور در آیه به این معناست که در صورت ارتکاب زنا به صورت علنی، زن را برای اجرای حد از خانه بیرون می‌برند (ابن بابویه، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۴۹۹).

ب. بعضی بدزبانی و اذیت و خشونت کلامی با خانواده مرد را مصداق فحشای آشکار می‌دانند. بنابراین زن را در باقیمانده ایام عده به منزل دیگری منتقل می‌کنند (جصاص، ۱۴۰۵ق، ج ۵، ص ۳۴۹؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۹۷؛ شافعی، ۱۴۱۰ق، ج ۵، ص ۲۵۱).

ج. از نظر بعضی، منظور از فحشا نشوز زن است. اگر مرد زن را در حال نشوز طلاق دهد، می‌تواند او را از منزل اخراج کند (جصاص، ۱۴۰۵ق، ج ۵، ص ۳۴۹).

د. از نظر بعضی هر معصیتی که آشکارا صورت بگیرد، فاحشه محسوب می‌شود (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲۸، ص ۸۵).

ه. عده‌ای هم نفس خروج زن از منزل قبل از انقضای عده را فحشا بشمار می‌آورند. در این صورت، «الّا» به معنی «لکن» است؛ یعنی زنان نباید در زمان عده، خانه را ترک کنند.

لیکن اگر خارج شوند، نفس خروجشان فحشای آشکار محسوب می‌شود (فاضل مقداد، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۲۵۲؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۲۳۱).

عده‌ای از مفسران همهٔ این احتمالات را ذکر کرده‌اند و هیچ‌کدام را ترجیح نداده‌اند (ماتریدی، ۱۴۲۶، ج ۱۰، ص ۵۱؛ طوسی، بی تا، ج ۱۰، ص ۳۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۴۵۸؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۳۰، ص ۵۶۰؛ بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۵، ص ۲۲۰؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۲۳۱).

حاصل مطالعات کتب تفسیری شیعه و سنی چنین است: طبق نظر اکثر مفسران شیعه و سنی، منظور از فحشای آشکار در آیهٔ کریمه قطعاً زناست و در این باره، تقریباً مخالفی دیده نمی‌شود؛ ولی در معانی دیگر اختلاف نظر وجود دارد. همچنین می‌توان گفت که اگر فحشای زن آشکار نباشد، حق اخراج او وجود ندارد؛ چون اخراج زن برای اجرای حد است و بدیهی است که اگر فحشا علنی نباشد و فقط زوج از آن مطلع شود، با اینکه زن مرتکب زنا شده است، اخراج او مجاز و مشروع نیست و همچنان باید (وجوباً) در منزل بماند تا پایان عده. با این تفصیل می‌توان گفت وصف «مبینه» در آیهٔ کریمه، وصف احترازی است و در ثبوت حکم جواز اخراج، دخیل است (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶، ج ۲۸، ص ۳۹۸).

نتیجه: مردی که همسر خود را طلاق رجعی داده و مهر و حقوق او را پرداخته است و اکنون زن تا پایان عده در همان منزل زندگی می‌کند و از همسر سابق خود، نفقه دریافت می‌نماید، با این حال، مرتکب رابطه نامشروع با مردی می‌شود، آن هم به صورت علنی و آشکار، به طوری که تعداد معتبر شاهد عادل جرم او را مشاهده می‌کنند، طبق شریعت اسلامی، تنها در صورت اثبات جرم زن در دادگاه، شوهر سابق می‌تواند برای اجرای حد، او را از خانه بیرون ببرد و سپس به همان خانه برگرداند تا عده به پایان برسد. در غیر این صورت، او حق اخراج زن را ندارد.

آنچه به دست می‌آید این مطلب است که قطعاً قلمرو غیرت ناموسی محدودتر از آن است که شامل اعمال خشونت یا مجازات یا حتی اخراج چنین زنی از منزل شود و نمی‌توان زن فاسد مرتکب زنا در ایام عده را که در حکم زوجه است، به بهانهٔ غیرت ناموسی، مجازات و

آزار کرد.

۴-۲. لزوم احراز شرایط مجوز قتل در خیانت زوجه

یکی از مسائلی که ارتباط مستقیم با مقوله غیرت ناموسی دارد، حکمی است که در باب حدود کتب فقهی (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۸، ص ۷۶) و روایی (ابن بابویه، ۱۳۶۳، ج ۴، ص ۱۶) مشاهده می‌شود؛ با این مضمون: اگر مردی همسرش را در حال زنا با مرد بیگانه‌ای ببیند، می‌تواند زن و زانی، هر دو را به قتل برساند. حکم جواز قتل توسط زوج، این ایده را تقویت می‌کند که شارع اعمال زوج بر اساس غیرت ناموسی را به‌طور مطلق و بدون محدودیت تجویز نموده است؛ اما بررسی شرایط و قیود معتبر در این حکم، خلاف این مطلب را اثبات می‌کند.

این شرایط عبارت‌اند از:

الف. زوج باید بتواند برای ادعای خود مبنی بر زنا زوجه با مرد بیگانه، چهار شاهد عادل مرد بیاورد. در غیر این صورت، زوج قصاص می‌شود و صرف ادعای مشاهده توسط او کفایت نمی‌کند.

ب. ضرورت اقامه بیئه معتبر که چهار مرد عادل باشد، نشان می‌دهد که جرم در ملأعام اتفاق افتاده است. اگر ناظری غیر از زوج حاضر نباشد و زوج برای یافتن سه مرد دیگر برود، در صورتی می‌تواند به مجازات زوجه و زانی اقدام نماید که هنوز جرم پایان نیافته باشد. در غیر این صورت، جواز قتل آنها وجود ندارد.

ج. جواز قتل زوجه و زانی مشروط به احراز احسان آنهاست. اگر زوج زانی را نشناسد یا از وجود شرایط احسان او بی‌خبر باشد یا زوجه واجد شرایط احسان نباشد، با صرف مشاهده جرم توسط زوج، قتل آنها مشروعیت ندارد (عاملی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۴، ص ۳۹۸).

د. مشاهده جرم توسط زوج در جواز حکم قتل ضرورت دارد و در صورت اثبات جرم توسط بیئه و بدون مشاهده زوج، حکم جواز قتل وجود ندارد (همان‌جا).

ه. شهرت زانی به عمل زنا و معروف بودنش به ناهلی به اتفاق نظر فقها، تأثیری در حکم

ندارد و ضرورت وجود بینه را از بین نمی‌برد (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۳۹۹). همان‌طور که مشاهده می‌شود، حکم جواز قتل زانی و زوجه توسط زوج، حدود و ثغوری دارد که در صورت عدم لحاظ آنها، یا قتل مشروعیت ندارد یا زوج جان خود را از دست می‌دهد.

مستند این حکم روایاتی هستند که به یکی از معروف‌ترین آنها، که در کتب امامیه و اهل سنت آمده است، اشاره می‌شود:

داوود بن فرقد گوید: از امام صادق علیه‌السلام شنیدم که می‌فرمود: اصحاب رسول خدا^(ص) به سعد بن عباده گفتند: اگر ببینی که مردی با همسرت زنا می‌کند، چه خواهی کرد؟ سعد گفت: او را با شمشیر به دونیم می‌کنم. در این اثنا، رسول خدا^(ص) از خانه بیرون آمد و به سعد فرمود: ای سعد! این چه سخنی است؟ ... پس تکلیف چهار شاهد چه می‌شود؟ سعد عرض کرد: ای رسول خدا! بعد از آنکه با چشم خود ببینم و خداوند شاهد کردار او باشد؟ (به چهار شاهد نیاز است؟! رسول خدا^(ص) فرمود: آری به خدا، با آنکه با چشم خود ببینی و خداوند گواه کردار او باشد، باید چهار شاهد پیدا کنی؛ چرا که خداوند عزوجل برای هر چیزی حدی قرار داده و برای هر متجاوز از آن حد، کیفری معین نموده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۱۷۶؛ بخاری، ۱۴۱۰ق، ج ۸، ص ۱۹۵؛ مسلم، بی تا، ج ۲، ص ۱۱۳۶).

نتیجه این است که به نظر می‌رسد یکی از موقعیت‌هایی که عرف به‌طور قطع و یقین، آن را مشمول قلمرو غیرت ناموسی می‌داند، وضعیتی باشد که زوج همسر خود را در حال رابطه نامشروع با مرد بیگانه می‌یابد؛ اما با بررسی احکام مربوط به این موضوع، به دست می‌آید که شرع این موقعیت را مجوزی برای رفتار تلافی‌جویانه و مجازات شخصی زوج به‌طور مطلق و بدون هیچ قید و شرط محسوب نمی‌کند و با وضع شرایط و قیودی، جلوی اقدام عجولانه و بدون بررسی زوج را سد می‌کند و هشدار می‌دهد که در صورت عمل خلاف این حکم، زوج جان خود را در قصاص از دست می‌دهد. تنها راهی که زوج مدعی مشاهده عمل منافی عفت زوجه را بدون آسیب دیدن می‌تواند از شر چنین زنی خلاص کند، انجام لعان و جدایی

از زن است؛ چنان‌که رویه قضایی کشور نیز مطابق با این مسئله قرار داده شده است. برای مثال، در پرونده‌ای با شماره دادنامه قطعی ۹۴۰۹۹۷۰۹۳۷۱۰۰۰۹ که متهم بلافاصله بعد از فرارش مقتول با زوجه‌اش، آنها را می‌بیند و اقدام به قتل مرد می‌کند، دادگاه بدوی حکم به قتل شبه عمد کرده، اظهارات وکیل قاتل را مبنی بر قتل در فرارش و مصداق ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی رد می‌کند. البته این حکم توسط دیوان عالی کشور ابرام می‌شود و مستند آن را چنین بیان می‌دارد: «زیرا اینکه وکیل محکوم علیه قتل ارتكابی را با تفسیر موسع از مفاد ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی قتل در فرارش دانسته، برخلاف اصول و قواعد حاکم و مبانی حقوقی و فقهی و نظریه فقهاست. از جمله مرحوم صاحب جواهر می‌فرماید: *اذا وجد مع زوجته رجلاً یزنی بها و علم بمطاولتها له فله قتلها و ان لم یکن له استیفاء الحد و لائمه علیه ...* (ج ۱، ۴۱، ص ۳۶۸)؛ در حالی که اظهارات ر.م. حکایتی از اینکه مقتول را در حال مقاربت با زوجه‌اش دیده باشد، ندارد. بنابراین موضوع انطباقی با مفاد ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی ندارد؛ لیکن قراین و شواهد حکایت از این دارد که متهم با تصور اینکه چون به زوجه‌اش تجاوز شده، متجاوز مهدورالدم است، مبادرت به ارتکاب قتل وی نموده و موضوع را دادگاه منطبق با قسمت اخیر ماده ۳۰۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ دانسته و متهم را به پرداخت دیه محکوم نموده است. لذا مبانی استدلال دادگاه صحیح دانسته و اعتراض وکیل اولیای دم نیز موجه نمی‌باشد». بررسی این پرونده غیرموجه بودن قتل در فرارش، بدون وجود شرایط لازم را روشن می‌کند.

۳-۴. عدم رعایت حدود حجاب و عفاف توسط زن

درباره جواز حضور و فعالیت اجتماعی بانوان بین علما اتفاق نظر وجود دارد. ولی مسئله کیفیت حضور بانوان از حیث پوشش، معاشرت با نامحرم و ویژگی‌های محل حضور است. حضور زن در جامعه می‌تواند بسیار مفید و مؤثر باشد و می‌تواند بسیار آسیب‌زننده باشد. شناخت آسیب‌های عدم رعایت حیا و عفت در روابط زن و مرد، در عصر مدرنیته و حاکمیت رسانه بسیار ضروری است. از طرفی، چون آدمی موجودی اجتماعی است و از نظر

روانی و اجتماعی نیازمند روابط انسانی با هم‌نوعان خود است، بحث کیفیت ارتباط مطرح می‌شود تا با رعایت حریم حیا و عفاف در روابط زن و مرد، از سویی امنیت روانی فردی و اجتماعی تأمین شود و از سویی دیگر، جامعه‌ای سالم و روبه‌پیشرفت داشته باشیم. همین موضوع سبب تشریح احکام بسیاری درباره پوشش بانوان و طرز معاشرت ایشان با نامحرم شده است.

طبق روایات امامیه، حضور بانوان در اماکن شلوغ و پررفت‌وآمد که موجب برخورد فیزیکی و تنه خوردن زنان می‌شود، با غیرت مردان منافات دارد. امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمودند: ای مردم عراق! به من خبر رسیده است که بانوان شما در خیابان‌ها به مردان تنه می‌زنند. آیا شرم و حیا ندارید؟ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۳۷).^۱

همچنین فرمودند: «آیا خجالت نمی‌کشید و غیرت نمی‌کنید که زنان به بازارها می‌روند و با کفار عجم ازدحام می‌کنند؟» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۳۷).^۲

قرآن کریم در آیات متعدد به شرایط پوشش بانوان اشاره کرده است. آیه ۵۹ سوره مبارکه احزاب می‌فرماید: «ای پیامبر به همسران و دخترانت و به زنان مؤمنان بگو: جلباب‌های (روسری‌های بلند) خود را بر خویش فروافکنند. این کار برای اینکه شناخته نشوند و مورد آزار قرار نگیرند، بهتر است».^۳ جلباب در آیه کریمه به معنای چادر یا پوشش بزرگ است که هم سر را می‌پوشاند و هم گردن و گریبان و سینه را. این پوشش علامت عفت زنان است و باعث می‌شود اوباش به دنبال اینها راه نیفتند. پوشیدن جلباب دو اثر دارد: اولاً زن شناخته نمی‌شود که کیست؛ ثانیاً شناخته می‌شود به این عنوان که عقیف است و اهل فسق و فجور متعرض وی نمی‌گردد (جوادی آملی، ۱۳۹۲؛ طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۴۶۰).

۱. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا أَهْلَ الْعِرَاقِ بُبْتُ أَنْ نَسَا، كُمْ يَدْفَعُنَ الرَّجَالَ فِي الطَّرِيقِ أَمَا تَسْتَحْيُونَ».

۲. «انَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: أَمَا تَسْتَحْيُونَ وَلَا تَغَارُونَ نَسَا، كُمْ يَخْرُجْنَ إِلَى الْأَسْوَاقِ وَيُزَاحِمْنَ الْعُلُوجَ».

۳. «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ».

در آیات ۳۰ و ۳۱ سوره نور، دو حکم به عنوان وظیفه مردها برشمرده شده است: اول اینکه مردها باید چشمشان را ننگه دارند و چشم‌پوشی کنند و دوم اینکه اندام تناسلی‌شان را مستور کنند. بیش از این بر مردها واجب نیست. در آیه بعدی، زنان علاوه بر این دو حکم، چهار حکم دیگر اضافه بر احکام مردان دارند:

- «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا»: از حکم وجوب پوشاندن مواضع زینت، مواضع آشکار، یعنی وجه و کفین، استثنا شده‌اند. البته باز و بدون پوشش بودن دست و چهره زن برای رفع حاجت و در فرض ضرورت، به معنای جواز نگاه نامحرم به او نیست. آیه ناظر به عدم وجوب ستر و جواز ابداء بر زن است؛ نه جواز نظر برای مرد (جوادی آملی، ۱۴۰۱، ج ۵۹، ص ۶۱۳). کلمه ابداء به معنای اظهار است و منظور از زینت زنان، مواضع زینت است؛ زیرا آشکار کردن و اظهار خود زینت، مثل گوشواره و دستبند، حرام نیست؛ بلکه آشکار شدن دست و گردن و بناگوش، که محل زینت است، حرمت دارد (طباطبایی، ۱۳۷۴ق، ج ۱۵، ص ۱۵۶).
- «وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ»: خُمُر جامه‌ای است که زن سر خود را با آن می‌پوشاند و اضافه آن را بر سینه‌اش آویزان می‌کند و باید آن قدر وسیع باشد که گردن را بپوشاند و علاوه بر آن، گریبان و سینه را هم بپوشاند (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ص ۶۱۴).
- «لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُوثَتِهِنَّ...»: این عبارت از آیه کریمه، ابدای جایز را تشریح می‌فرماید. زن می‌تواند اندام (غیر از اندام تناسلی) و زینت خود را فقط به محارم خود نشان بدهد.
- «وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ»: زنان نباید پاهای خود را محکم به زمین بزنند تا صدای زیورآلاتشان از قبیل خلخال و دستبند، به صدا در نیاید.
- با توجه به این آیات و با لحاظ روش قرآن کریم، باید گفت: قرآن کریم احکام مشترک بین زن و مرد را غالباً به صورت جمع مذكر می‌آورد، مثل «قد أفلح

المؤمنون» که شامل زن و مرد می‌شود. تعبیرات قرآن معمولاً زن را در برابر مرد ذکر نمی‌کند؛ مگر در احکام مهم. مثلاً در جاهلیت، زن استقلال مالی نداشت. پس آیه کریمه زن را جداگانه در برابر مرد قرار داده است: «**لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا** و **لِّلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ**». بنابراین حکم حجاب به‌خاطر اهمیت ویژه‌اش، به‌طور جداگانه و تفصیلی در آیات قرآن آمده است.

درباره معاشرت زنان با نامحرم نیز، خطاب به همسران پیامبر می‌فرماید: «شما اگر تقوا به خرج دهید، با زنان دیگر برابر نیستید. پس در سخن گفتن، خضوع نکنید و مثل سایر زنان آهنگ صدا را فریبنده نسازید^۱ (احزاب، ۳۲). البته این امور بین زنان پیامبر و سایر زنان مشترک است. پس اینکه می‌فرماید: «شما مثل سایر زنان نیستید»، برای تأکید است. خضوع در کلام به معنای نازک کردن و لطیف کردن آهنگ صدا در مقابل مردان است تا اینکه دل مرد را دچار خیال‌های شیطانی کنند و شهوتش را برانگیزانند و در نتیجه، آن مردی که در دل بیمار است، به طمع بیفتد. سپس «**قُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا**» به معنای سخن گفتن به گونه‌ای که عرف اسلامی آن را بپسندد، است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۴۶۰). از این آیه کریمه، به دلیل اولویت می‌توان درباره زنان دیگر برداشت کرد؛ زیرا وقتی به زنان پیامبر، که بیشترشان پیر و سالخورده بودند، هشدار داده می‌شود که با کرشمه و ناز سخن نگویند، به طریق اولی، زنان جوان و زیبا باید رعایت کنند (قرائتی، ۱۳۸۱، ج ۷، ص ۳۵۹).

البته موضوع رعایت حجاب، مسئله‌ای سلیقه‌ای نیست؛ بلکه منظور صرفاً رعایت حدود الهی است و کسی نمی‌تواند این حکم شرعی را مستمسکی برای تحمیل سلیقه شخصی خود به بانوان قرار دهد. بنابر فتوای تمام مراجع تقلید، مرد نمی‌تواند همسر خود را مجبور کند به رعایت کردن حجاب و فقط باید امر به معروف و نهی از منکر کند (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۳، ص ۴۵۶؛ صافی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۴۶۲).

۱. «يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ، إِنَّ أَتَقِيْنَ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا».

۴-۴. مسئولیت در قبال زمینه‌های ایجاد انحراف در همسر

روابط جنسی سالم و رضایتمندانه تأثیر بسزایی در نشاط زن و شوهر، افزایش روابط عاطفی، حس حمایت‌گری مرد نسبت به زن و همراهی زن با همسر خود دارد. از این رو، به مردان توصیه شده است که نیاز جنسی همسران خود را نادیده نگیرند و از سوی دیگر، تمکین جنسی از مسئولیت‌های واجب زن در زندگی زناشویی به حساب می‌آید. یکی از خطراتی که روابط زناشویی را تهدید می‌کند، مشکلات مربوط به نارضایتی جنسی است. گرچه آمارهای رسمی‌ای که بتوان بر اساس آن، گزارش دقیقی از نابسامانی در حوزه اخلاق جنسی زوجین ارائه نمود، موجود نیست، نگرانی مسئولان و فرهیختگان از گسترش مفسد اخلاقی در میان همسران را نمی‌توان از نظر دور داشت. نتیجه مشاهدات در تجربیات بالینی و مشاوره‌ها نشان می‌دهد که باید به این مسئله به‌عنوان یک موضوع جدی در حل اختلافات زوجین توجه زیادی مبذول داشت و تحقیقات و پژوهش‌های گسترده‌ای را دنبال نمود (ر.ک. کجیاف، ۱۳۸۳).

این ناکامی در زنان به دلیل آنکه نیاز جنسی خود را صراحتاً بیان نمی‌کنند، احتمال ناسازگاری، بهانه‌جویی، سلطه‌گری، سرگرم کردن خود به امور مختلف، خودنمایی جنسی و حتی برقراری روابط نامشروع را افزایش می‌دهد؛ زیرا اگر میل جنسی زن به صورت صحیح پاسخ داده نشود، زمینه انحراف او فراهم می‌گردد. از این رو، یکی از احکامی که نقش پیشگیرانه نسبت به جرایم ناشی از غیرت ناموسی دارد، این است که زوج حق ندارد ارتباط زناشویی با همسر خود را بیش از چهار ماه قطع کند. این حکم مبتنی بر ادله‌ای است؛ از جمله:

الف. امام رضا علیه‌السلام: ترک ارتباط بیش از چهار ماه، گناه و اثم محسوب می‌شود، مگر اینکه با اذن زوجه باشد (حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۲۰، ص ۱۴۰). طبق روایت، حتی اگر این موضوع غیرعمدی و بدون قصد اضرار به زوجه باشد، باز هم حرام است.

ب. امام صادق علیه‌السلام: هرکس با تعدادی از زنان ازدواج کند، ولی ارتباط زناشویی با آنها نداشته باشد، هرکدام از زوجات که مرتکب زنا شوند، گناهش بر عهده زوج است (حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۲۰، ص ۱۴۱).

ج. صاحب جواهر علاوه بر این روایات، قواعد نفی حرج و اصرار را نیز به عنوان مؤید ذکر کرده است. از نظر ایشان، حتی در سفر بودن زوج، عذر موجهی برای ترک تکلیف به ارتباط زناشویی نیست، مگر اینکه سفر واجبی باشد. در غیر این صورت، مرد باید برای انجام تکلیف خود، از سفر برگردد (نجفی، بی تا، ج ۲۹، ص ۱۱۶).

به نظر می‌رسد به عنوان یک اقدام پیشگیرانه نسبت به فساد زنان، بر مردان واجب است حقوق جنسی زنان خود را رعایت کنند. این کار موجبات و زمینه‌های جرایم ناشی از غیرت ناموسی را از بین می‌برد.

همچنین یکی دیگر از حقوق زوجه، حق قسم است. قسم در لغت به معنای تجزیه کردن به اقسامی، تفصیل دادن آنچه مختلط است، توزیع کردن و جدا کردن آمده است (معلوف، ۲۰۰۰م، ص ۱۱۵۱) و در اصطلاح عبارت است از اینکه اگر زوج یک زوجه داشته باشد، موظف است از هر چهار شب، یک شب را در کنار او باشد و اگر دو زوجه داشته باشد، دو شب و همین‌طور تا چهار همسر (شهرکانی، ۱۴۰۳ق، ص ۶۳۸). تقسیم و توزیع عادلانه مبیعت در کنار زوجات متعدد، حق زوجه و تکلیف زوج است و زوج در غیر صورت عذر و سفر، حق اخلال به آن را ندارد؛ مگر اینکه زوجه، خود اذن دهد و از حق خود بگذرد. البته آنچه در حق قسم مورد نظر شارع مقدس است، صرفاً مضاجعه است، نه مواقعه (حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۲۷۲). احکامی همچون حق قسم نیز نقش پیشگیرانه نسبت به جرایم ناشی از غیرت ناموسی دارد. مردی که با ازدواج مجدد، زن اول را فراموش می‌کند، زمینه فساد همسر اول را فراهم می‌کند. شارع مقدس به این نیاز روحی زن توجه ویژه دارد و به مرد اجازه نمی‌دهد با تعدد زوجات، زوجه قبلی را فراموش و او را کالمعلقه رها کند.

۴-۵. مراقبت و حفاظت از حریم خانواده

در کتب روایی، بابتی وجود دارد با عنوان «باب من لا دیه له» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۲۹۰). در این باب، شرایطی وصف شده است که موجب می‌شود یک عمل غالباً مجرمانه موجب وجوب دیه یا قصاص برای مرتکب نشود. یکی از این شرایط که ارتباط مستقیمی با غیرت ناموسی دارد، سرک کشیدن و نگاه کردن بی‌اجازه به داخل خانه مردم به قصد تماشای زن و

دختران آنهاست. چنانچه صاحب خانه سنگ یا عصا یا چوبی به طرف ناظر پرتاب کند و وی آسیب ببیند، دیه یا قصاص ندارد. در این زمینه، روایاتی وجود دارد:

الف. امام صادق علیه السلام: هر مردی که به خانه گروهی سرک بکشد تا به ناموس آنان نگاه کند و آنان چیزی به طرف او پرتاب کنند و چشمانش را کور کنند یا او را زخمی کنند، دیه‌ای ندارد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۲۹۰).

ب. امام صادق علیه السلام: مردی از شکاف حصیر به خانه پیامبر (ص) سرک می‌کشید. پیامبر خدا (ص) به او فرمود: اگر می‌دانستم که فرار نخواهی کرد، با سیخ آهنی، چشمت را از کاسه سر بیرون می‌کشیدم. راوی گوید: به امام عرض کردم: آیا ما هم چنین حقی داریم؟ فرمود: وای بر تو! من می‌گویم: رسول خدا (ص) چنین کرد و تو می‌پرسی ما هم چنین حقی داریم؟! (همان، ص ۲۹۲).

ج. امام باقر علیه السلام: عورت مؤمن بر مؤمن حرام است و هرکس سرک به خانه مؤمنی بکشد، چشمان او در آن حال بر آن مؤمن مباح است (حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۲۹، ص ۶۶). حذف دیه و قصاص از آثار ضرورت وجود غیرت ناموسی در مرد است. علامه مجلسی در ذیل روایت فرموده است: ظاهر روایات در هدر بودن خون شخصی که بدون اجازه به خانه مردم سرک می‌کشد، اطلاق دارد، ولی اصحاب این حکم را مقید به قیودی کرده‌اند که در ذیل می‌آید (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۱۶، ص ۴۲۹):

الف. در منع شخص خاطی باید ترتیب در مجازات را رعایت نمود. ابتدا باید او را منع کرد و اگر با وجود تذکر، اصرار بر کار خلاف خود داشت، می‌توان به طرفش سنگ یا چوب پرتاب کرد. در این صورت، خونش هدر است. اما آسیب زدن به او بدون تذکر و منع، ضمان‌آور است.

ب. اگر شخص خاطی از محارم زنان خانه باشد، باید بر زجر و منع اکتفا کرد و آسیب به وی ضمان‌آور است.

ج. اگر زن برهنه‌ای در خانه باشد، می‌توان شخصی را که دزدکی نگاه می‌کند، با سنگ یا

چوب زد؛ حتی اگر از محارم آن زن باشد؛ زیرا چنین نظری حتی بر محارم جایز نیست. د. حتی در صورت قول به لزوم رعایت ترتیب، در صورتی که منع خاطی متوقف بر زدن باشد، در صورت آسیب دیدن خاطی، ضارب ضامن نیست (عاملی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۵، ص ۵۵). صاحب جواهر مسئله را اجماعی می‌داند و می‌فرماید اگر اجماع هم نبود، اطلاق روایات، اقتضای جواز دفاع از آبرو را، ولو به قیمت آسیب دیدن خاطی، دارد. از نظر ایشان، در نصوص وارد، دلیلی بر ضرورت رعایت ترتیب یافت نمی‌شود. نصوص وارد به صورت مطلق، کثرت و تعاضد دارند؛ به‌گونه‌ای که می‌توان بر این حکم قطع پیدا کرد. سپس توجیهاتی را که برای اثبات لزوم رعایت ترتیب در مجازات ذکر شده است، بیان و نقد می‌فرماید:

توجیه اول: مسئله از باب امر به معروف و نهی از منکر است و در باب امر و نهی، رعایت ترتیب لازم است.

از نظر صاحب جواهر، این ادعا فاسد است و مسئله از باب دفاع است و در باب دفاع (از جان یا مال یا آبرو)، خونِ شخصِ دفع‌شده، هدر است.

توجیه دوم: دفاع از ضرورت‌های مقدر است. بنابراین هر قدر که دفاع ضرورت داشته باشد، جایز است و بیش از آن ضمان‌آور است.

صاحب جواهر این ادعا را اجتهاد در مقابل نص قلمداد می‌فرماید. از نظر ایشان، تنها دلیلی که رعایت ترتیب را لازم می‌کند، اجماع است. بنابراین حکم به ضمان دافع نمی‌شود؛ مگر علم به حصول سبب ضمان داشته باشیم (نجفی، بی‌تا، ج ۴۱، ص ۶۶۰).

نتیجه اینکه یکی از آثار احکامی ضرورت غیرت ناموسی، حذف حکم دیه و قصاص در جایی است که مرد خانه متوجه سرک کشیدن و چشم‌چرانی مرد غریبه‌ای می‌شود و زن و دختران خود را در معرض نگاه حرام نامحرم می‌بینند. در چنین وضعیتی، مرد خانه باید بلافاصله اقدام به دور کردن شخص متجاوز کند و این اقدام در عمل، می‌تواند با پرتاب سنگ یا چوب یا

عصا باشد. مرد خانه می‌تواند چشم مزاحم را هدف سنگ قرار دهد و آسیب و حتی کوری چشم شخص متجاوز هدر است و موجب ديه و قصاص مرد خانه نمی‌شود.

یافته‌های پژوهش

غیرت ناموسی به‌عنوان یک وصف کمال برای انسان محسوب شده که در جامعه امروز ایران، موضوع تشنگی آرا است و از انکار کامل تا اثبات افراطی و فراتر از محدوده شرعی قائل دارد. عده‌ای قائل به آزادی بی‌قیدوبند ارتباط زن و مرد هستند و لزوم غیرت ناموسی را به‌کلی انکار می‌کنند و عده‌ای به اندک بهانه، حتی به‌سبب ازدواج مخفیانه یک دختر، خون او را مباح می‌دانند. به همان اندازه که حذف غیرت ناموسی موجب فساد است، تعصبات افراطی قومی و قبیله‌ای نیز موجب فساد می‌شود. در چنین موقعیتی، تبیین حدود و ثغور غیرت ناموسی طبق شریعت مقدس اسلام، ضروری است.

یافته‌های پژوهش بیانگر موارد زیر است:

۱. غیرت نوعی حمایت از حریم خانواده است و با عصبیت که حمایت از قوم و عشیره به حق یا باطل است و با حمیت که همراه با خشم و خودبزرگبینی است، قرابتی ندارد.
۲. معیارهای غیرت در عرف امروز جامعه بر طبق پرونده‌های قضایی که به‌عنوان پرونده‌های غیرت ناموسی بین مردم شناخته شده است، بیشتر مردسالاری است که به‌صورت خشونت‌های غیرقابل کنترل روی خانواده سایه انداخته است و هیچ وجهه شرعی ندارد و دین مبین اسلام با آن به‌شدت مبارزه می‌کند.
۳. با مراجعه به منابع فقهی، می‌توان معیارهای غیرت ناموسی را استخراج کرد؛ از جمله آنکه مرد در زمان عده طلاق، حق اخراج زن معتده را از خانه ندارد؛ حتی اگر زن مرتکب فحشا شود؛ مگر اینکه فحشای وی آشکار باشد. در این صورت، زن را برای اجرای حد بیرون برده، سپس بازمی‌گردانند. چنین وضعیتی از نظر شرع اسلام، جای خشونت علیه زن نیست؛ یا مردی که همسر خود را در حال ارتکاب عمل منافی عفت می‌بیند، در صورتی

که همسر خود را به قتل برساند، قصاص می‌شود؛ مگر اینکه تعداد شاهد معتبر را داشته باشد. قتل زانی هم در صورتی مجاز است که شرایط احصان را احراز کند. چنین وضعیتی اگرچه قتل زن را مباح می‌کند، جان مرد را هم به خطر می‌اندازد. معلوم می‌شود در این موقعیت هم، برخورد با خشونت مورد تأیید شارع نیست. همچنین آیات حجاب و روایات درباره کیفیت پوشش، نگاه، حضور در جامعه و طرز صحبت کردن زن با نامحرم بیانگر حدود و ثغور غیرت ناموسی است. حضور زن در میان جمعیت مردان و پوشش نامناسب و صحبت کردن با ناز و کرشمه، جای غیرت ناموسی است و نیز مردان باید با رعایت حقوق جنسی زن، پاکدامنی همسران خود را پاس دارند که بی‌توجهی به این موضوع سبب شکل‌گیری روابط نامشروع می‌گردد و در نهایت، مردان باید از حریم خانواده خود مراقبت کنند و کسی را که به حریمشان سرک می‌کشد و چشم‌چرانی می‌کند، دور کنند، ولو با ایراد ضرب و جرح. این موقعیت جای غیرت ناموسی است و آسیب زدن به مزاحم‌های ناموسی، دیه و قصاص ندارد.

۴. باید توجه داشت که غیرت ناموسی در شریعت اسلام، نقش و جایگاه پیشگیرانه دارد. رعایت حجاب و شرایط عقیفانه حضور در جامعه، راندن نامحرمی که به حریم خانه سرک می‌کشد و رعایت حقوق جنسی زن که همه نشانگر جایگاه غیرت ناموسی است، قبل از شکل‌گیری ارتباط نامشروع زن و مرد است. در واقع، غیرت ناموسی موجب مصونیت خانواده از دست‌درازی نامحرمان می‌شود. شریعت اسلام برای بعد از اتفاق ناگوار ارتباط نامشروع، توصیه‌ای به رفتار خشونت‌بار ندارد و زنان و دختران را قبل از این مرحله باید مورد توجه و حمایت عاطفی و غیورانه قرار داد.

پیشنهادها

اول: فرهنگ‌سازی در زمینه فهم صحیح از غیرت ناموسی و ضرورت آن و چگونگی کاربست صحیح آن در جامعه؛ غیرت یک ماهیت کاملاً فرهنگی دارد. بنابراین نگاه‌های افراطی و تفریطی باید به واسطه کار فرهنگی، تصحیح شود و این میسر نیست مگر با ورود

جدی دستگاه‌های مؤثر تبلیغی نظیر صداوسیما، مراکز فرهنگی و رسانه‌های جمعی مثل مطبوعات. همچنین با اشاعه فرهنگ عفاف و حجاب در جامعه برای مردان و زنان به‌عنوان عامل پیشگیرانه از جرایم ناموسی و نیز گنجاندن مباحث مشاوره‌ای مرتبط با غیرت ناموسی در آموزش‌های قبل از دواج، این امر مهم در جامعه تحقق می‌یابد.

دوم: اصلاح قوانین مرتبط: طبق ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی، مرتکب قتل اگر پدر یا اجداد پدری مقتول باشد، قاتل قصاص نمی‌شود. پیشنهاد می‌شود تبصره‌ای به این ماده الحاق شود مبنی بر اینکه اگر پدر یا اجداد پدری مرتکب قتل‌هایی با انگیزه ناموسی شوند (از آنجایی که تنها حمایت قانون، ماده ۶۱۲ است که می‌گوید: «هرکس مرتکب قتل عمد شود و شاکی نداشته یا شاکی داشته ولی از قصاص گذشت کرده باشد و یا به هر علت قصاص نشود، در صورتی که اقدام وی موجب اخلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه یا بیم تجری مرتکب یا دیگران گردد، دادگاه مرتکب را به حبس از سه تا ده سال محکوم می‌نماید» که آن هم بازدارنده نیست و هرچند ممکن است به‌لحاظ عمومی مفید به نظر برسد، برای موارد خاص مانند قتل‌های ناموسی، مناسب به نظر نمی‌رسد)، شایسته است قانون‌گذار برای کاهش قتل‌های ناموسی مجازات را تشدید کند؛ مثلاً برای چنین مجرمانی، حداکثر مجازات تعزیری را قرار دهد.

سوم: همچنین با نظر به ماده ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی که اگر مرتکب قتل، همسر زانیه باشد و علم به رضایت زن به زنا داشته باشد و حین ارتکاب جرم، زانی یا زانیه را به قتل رسانده باشد، قصاص نمی‌شود، پیشنهاد می‌شود که این ماده اصلاح شود و به بیان تمام شرایط، از جمله نوع اثبات آن در دادگاه توسط شوهر، که نوعاً بسیار سخت است، بپردازد یا این مقرر از متن قانون مجازات اسلامی حذف شود تا جلوی سوءاستفاده‌های زیادی که از آن می‌شود، گرفته شود و قانون نقش بازدارندگی خود را نیز ایفا کند.

منابع

- قرآن کریم.

- آقایی کوهی، امیدرضا (۱۳۹۱). مطالعه جرم‌شناختی قتل‌های ناموسی؛ بررسی موردی در استان فارس. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق. دانشگاه پیام نور تهران. ایران.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۳). من لایحضره الفقیه. قم: جامعه مدرسین.
- ابن فارس، ابی‌الحسین (۱۴۰۴ق). مقاییس اللغة. قم: مکتب العالم الإسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم بن علی (۱۴۱۴ق). لسان العرب. بیروت: دار الصاد.
- الهامی‌نیا، علی اصغر (۱۳۸۲). اخلاق اسلامی. تهران: جهاد دانشگاهی.
- انصاریان، حسین (۱۳۷۸). دیار عاشقان (تفسیر جامع صحیفه سجاده). تهران: پیام آزادی.
- بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۱۰ق). الصحيح. قاهره: وزارة الأوقاف المجلس الأعلى للشئون الإسلامیه.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸ق). أنوار التنزیل و أسرار التأویل. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- جصاص، احمد بن علی (۱۴۰۵ق). أحكام القرآن. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۴۰۱). «تفسیر تسنیم». مندرج در سایت <https://www.eshia.ir>
- _____ (۱۴۰۱). تفسیر تسنیم. قم: مرکز نشر اسراء.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ق). تفصیل وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل‌البتیت^(ع) لإحياء التراث.
- حسینی، سید جواد (۱۳۸۶). «تعصب». ماهنامه مبلغان، شماره ۹۸، ص ۴۳-۵۰.
- حلی (محقق حلی)، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق). شرایع الإسلام. قم: اسماعیلیان.
- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). المفردات فی غریب القرآن. دمشق: دار القلم.
- زهری، ابومنصور محمد بن احمد (۲۰۰۱م). تهذیب اللغة. قاهره: دار إحياء التراث العربی.
- سید رضی، ابوالحسن محمد الرضی بن الحسن الموسوی (بی‌تا). نهج البلاغه. بیروت: دار الكتاب اللبنانی.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر (۱۴۰۴ق). الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور. قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت‌الله مرعشی نجفی.
- شافعی، ابو عبدالله محمد بن ادريس (۱۴۱۰ق). الأم. بیروت: دار المعرفه.
- شهرکانی، ابراهیم اسماعیل (۱۴۰۳ق). معجم المصطلحات الفقهیه. قم: ذوی القربی.
- صاحب بن عباد، اسماعیل (۱۴۱۴ق). المحيط فی اللغة. بیروت: عالم الکتب.
- صادقی تهرانی، محمد (۱۴۰۶ق). الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه. قم: فرهنگ اسلامی.
- صافی، لطف‌الله (۱۴۱۶ق). هادیه العباد. قم: دار القرآن الکریم.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: ناصر خسرو.
- طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ق). جامع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار المعرفه.

- طریحی نجفی، فخرالدین (بی تا). مجمع البحرین. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷). المبسوط فی فقه الإمامیه. تهران: المکتبه المرتضویه.
- _____ (۱۴۰۷ق). الخلاف. قم: جامعه المدرسین.
- _____ (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی (۱۴۱۳ق). مسالک الأفهام. قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه.
- علم الهدی، سید رضی (۱۳۷۲). نهج البلاغه امیرالمؤمنین. تهران: بنیاد نهج البلاغه.
- غزالی طوسی، ابوحامد محمد بن محمد (۱۹۴۵م). إحياء علوم الدین. بیروت: دار المعرفه.
- فاضل مقداد، عبدالله (۱۳۷۳). کنز العرفان. تهران: مرتضوی.
- فاضل موحدی لنگرانی، محمد (۱۳۸۳). جامع المسائل. قم: امیرقلم.
- فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق). التفسیر الکبیر. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- فراهیدی، ابی عبدالرحمن الخلیل (۱۴۰۵ق). العین، قم: دار الهجره.
- قرائتی، محسن (۱۳۸۸). تفسیر نور. تهران: مرکز فرهنگی درس های از قرآن.
- کاظمی سرکانه، سید سجاد (۱۳۸۸). مطالعه جرم شناسی قتل های ناموسی؛ بررسی موردی استان تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق. دانشگاه تهران، تهران، ایران.
- کجباف، محمدباقر و همکاران (۱۳۸۳). بررسی رابطه رضایت زناشویی و بروز اختلالات روانی دختران. مجله مطالعات اجتماعی - روان شناسی زنان، ۲(۴)، ص ۱۲۳-۱۴۸.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). کافی. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- ماتریدی، محمد بن محمد (۱۴۲۶ق). تأویلات أهل السنه. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- _____ (۱۴۰۶ق). ملاذ الأخیار. قم: کتابخانه حضرت آیت الله مرعشی نجفی (ره).
- مصطفی، ابراهیم؛ زیات، احمد؛ عبدالقادر، حامد؛ و نجار، محمد (۱۹۸۹م). المعجم الوسيط. قاهره: دار الدعوه.
- مجموعه من المؤلفین (۲۰۲۲م). موسوعه الفقهيہ الكويتیه. الكويت: وزاره الأوقاف و الشؤون الإسلامیه.
- محمدجعفری، رسول (۱۳۸۷). تبعیض نژادی از منظر قرآن و حدیث. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن. دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
- مسلم بن الحجاج، ابوالحسن قشیری نیشابوری (بی تا). صحیح مسلم. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۸). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- معلوف، لويس (۲۰۰۰م). المنجد فی اللغة العربیه المعاصره. بیروت: دار المشرق.

- مهنا، عبدالله علی (۱۴۱۳ق). *لسان اللسان*. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- موسوی خمینی، روح الله (۱۳۸۵). *تحریر الوسیله*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- موسوی قزوینی، سید علی و علوی قزوینی، سید علی (۱۳۸۳). *ینابیع الأحکام فی معرفه الحلال و الحرام*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- نجفی، محمدحسن بن باقر (بی تا). *جواهر الکلام* (ط. القدیمة). بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۸۲). *فرهنگ فقه مطابقی مذهب اهل بیت (ع)*. قم: مؤسسه دایرةالمعارف فقه اسلامی.

